

## فرهنگ مهدویت .....

علی اصغر الهامی نیا

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

حکومت عدل جهانی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در آغاز آفرینش، با اراده ذات اقدس الهی به عنوان پایان تاریخ رقم خورد و بخش نهایی اسلام را تشکیل داد. پیامبر اعظم (ص)، خود طراحی مهدویت را از سالهای نخست بعثت بر عهده گرفت و ضمن بیان موضوع عظیم امامت، حلقه کامل آن را نیز برای مسلمانان توضیح داد. امامان اهل بیت علیهم السلام نیز یکی پس از دیگری سیره پیامبر درباره مهدویت را پی گرفتند و فرهنگ عدالت، انتظار و فرج را در میان مردم گسترده و آنان را برای عصر غیبت آماده کردند و راهکار آماده شدن برای ظهور را پیش روی آنان نهادند. در قرآن مجید نیز آیات پر شماری به بیان موضوع مهدویت پرداخته است. بدین ترتیب قرآن و عترت، فرهنگ حکومت عدل نهایی را در جامعه اسلامی پایه گذاری نموده‌اند.

**کلید واژگان:** فرهنگ مهدویت، عدل، امامت، پایان تاریخ.

### تبیین واژه

فرهنگ مهدویت، فرهنگ حاکمیت توحید، حق و عدالت بر گستره گیتی است فرهنگ آرمان شیرین زندگی در کام مستضعفان عالم، و ترسیم اصول و برنامه‌های خوب زیستن و نیل به ایده آل انسان در زندگی و حاکمیت است، طراح اصلی این فرهنگ، نخست خود

خداوند متعال است که حتی پیش از آغاز آفرینش عالم و آدم، بنیاد آن را بنا نهاد، اما چون بشر تاب و توان این همه خوبی را در زندگی ابتدایی نداشت، می‌بایست کلاس فهم معارف و عرفان و سیر و سلوک چندین هزار ساله را در محضر پیامبران بگذرانند و شایستگی محصول فرهنگ مهدوی یعنی حق مطلق و عدالت مطلق را پیدا کنند، همان طور که ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد حضرت مهدی ارواحنا فداه ایجاب می‌کرد که در میان همه انبیاء و اولیا، او برای چنین کار سترگی از سوی خداوند گزینش و ذخیره شود؛

در زمان ظهور مهدی موعود - سلام الله علیه که خداوند ذخیره کرده است او را - از باب اینکه هیچ کس در اولین و آخرین این قدرت برایش نبوده است و فقط برای حضرت مهدی موعود بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام آن گسترش بدهد و آن چیزی که انبیا موفق نشدند به آن، با اینکه برای آن خدمت آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیاء آرزو داشتند لکن موانع، اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. اینکه این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می‌فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است.<sup>۱</sup>

پس مهدی (ع) عصاره همه انبیا و اولیا و وارث جمله زیبایی‌های آنهاست و فرهنگ مهدویت یعنی گسترش همه خوبی‌ها برای همیشه و در همه جا و مبارزه با همه زشتی‌ها، ستم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، کژی‌ها، بداندیشی‌ها، بداخلاقی‌ها، رکودها و یأوه‌گی‌ها. فرهنگ مهدویت یعنی همه جا عدالت، همیشه حق پویی، حق‌گویی و حق‌طلبی و پرهیز از سستی، تنبلی، کینه‌توزی، حسد و ناانسانی.

فرهنگ مهدویت یعنی پرتوافکنی زهد و تقوا و تهذیب نفس و سیر و سلوک و معنویت بر همه زوایای زندگی بشر خاکی و پرواز دادن او تا سدره المنتهی و ساحل عرش الهی.

فرهنگ مهدویت یعنی اعتدال اندیشه‌ها و تصحیح عقاید و اخلاق و رفتار بر اساس حق و عدالت مطلق و پایان انحراف و خرافه و کج‌اندیشی و بد اخلاقی و دنیاپرستی و اصلاح شدن صالحان و متخلق شدن استادان اخلاق و خالص شدن مخلصان و داد پذیرفتن دادگران؛

وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد، تمام کجی‌ها را راست می‌کند... الان زمین - و بعد از این، از این هم

بدتر شاید بشود - پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست؛ حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافاتی هست ولو خودش نداند، در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال.<sup>۲</sup>

## مقدمه

اعتقاد به منجی آخر الزمان - که زمین را از لوث شرک و کفر و ظلم تطهیر نماید - در واقع با فلسفه آغاز و انجام جهان‌گره خورده است؛ به این معنا که آغاز آفرینش به انجام آن مرتبط است چرا که خداوند همه هستی را به خاطر آدمیان آفریده و فرموده است:

وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا. (جاثیه: ۱۳)

و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد.

و آدمی را نیز بدین سبب آفریده که تنها او را بپرستد؛

وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات: ۵۶)

و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا بپرستند.

پس هدف غایی آفرینش این بوده که آدمیان بدون مزاحمت دیگران و با خیال آسوده به پرستش الهی پردازند و در پرتو آن از فساد و تباهی و ستم و یاوگی بپرهیزند، رابطه صحیح و انسانی و عادلانه با خود، خدا و دیگر پدیده‌ها برقرار سازند، پیوسته راه تکامل و ترقی را پیمایند تا به سعادت واقعی نایل آیند.

چنین آرمانی گرچه به طور جسته و گریخته به شکل فردی برای مؤمنانی اندک واقعیت پیوست، ولی هیچ‌گاه به شکل عمومی و فراگیر در هیچ جای زمین جامعه عمل نپوشید و همیشه به عنوان آرزویی دست‌نایافتنی در دل جامعه‌های حق‌گرا خودنمایی کرده است و همگان در انتظار تولد آن، عمر خود را سپری کرده و هر نسلی نوید ظهور آن را به نسل آینده داده است. در جوامع دینی این وظیفه خطیر بر عهده دین‌نهایی - یعنی اسلام - نهاده شده و همه پیامبران امت خویش را به ظهور پیامبر آخرالزمان بشارت داده‌اند و هر چه زمان بعثت آن یگانه جهان نزدیکتر می‌شده، امید عدالت جهانی نیز در دل مردم بیشتر می‌شده است.

تا اینکه آفتاب جهانگیر اسلام طلوع کرد و خداوند در قرآن فرمود:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (ص: ۹)

اوست کسی که فرستده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.

در این مقطع همگان باور کردند که لحظه‌های انتظار به سر آمده و زمان تحقق آرمان نهایی انسان فرارسیده ولی پیامبر آخرالزمان نیز - گرچه زمان رسیدن به این آرزو را نزدیک دانست - اما آن را به میلاد و ظهور «مهدی (ع)» موکول کرد که زمانی بس دراز غیبت خواهد کرد و آرزوی انسان را برآورده خواهد ساخت.

### معماری اسلام با اندیشه مهدویت

ویژگی جاودانی و جهانی بودن اسلام ایجاب می‌کرد که رسول اعظم (ص)، طرحی جامع و کامل از دین نهایی ارائه دهد و چشم انداز آن را برای همگان ترسیم نماید از این رو قرآن مجید فرمود:

ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين. (احزاب: ۴۰)

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.

سپس تأکید کرد که «خاتم انبیا» و «دین اکمل» را بر بشریت ارائه کرده است؛

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً. (مانده: ۳)

امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را به عنوان آیین برای شما برگزیدم.

در پی آن فرمود:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ. (رعد: ۷)

[ای پیامبر] تو فقط بیم دهنده‌ای و برای هر قومی رهبری است.

ابن عباس می‌گوید پس از نزول این آیه، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «منذر من هستم» آنگاه

به شانه علی بن ابیطالب اشاره کرد و فرمود:

أَنْتَ الْهَادِي يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدُونَ مِنَ بَعْدِي.<sup>۳</sup>

ای علی، هادی تو هستی و پس از من، هدایت پذیران به وسیله تو هدایت می‌یابند.

بدین ترتیب «امامت» مکمل «نبوت» و حافظ آن معرفی شد و در پی آن، رسول خدا(ص) سخن از دوازده خلیفه به میان آورد. جابر بن سمره می‌گوید: رسول اکرم(ص) فرمود:

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزاً إِلَىٰ اٰثْنِي عَشَرَ خَلِيفَةً، فَكَبِّرِ النَّاسَ وَصَبِّحُوا.<sup>۴</sup>

این دین تا زمانی که دوازده خلیفه آن را رهبری کنند عزیز خواهد بود. مردم با شنیدن کلام پیامبر [از خوشحالی] تکبیر گفتند و گریستند.

۲۷۰ روایت دیگر با همین مضمون در کتاب منتخب الاثر شمارش شده که به حد تو اتر رسیده و از نظر شیعه و سنی این مطلب قطعی است که پیامبر نظام خلافت را ادامه دهنده خط نبوت دانسته و آنچه که مورد اختلاف قرار گرفته، روش خلافت و مصداق‌های خلفاست که دیدگاه‌های شیعه و سنی در جای خود تبیین شده است.

پیامبر برای قطعی کردن موضوع مهدویت و زدودن هر گونه تردید درباره آن فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ وَاِحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذٰلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنْ اُمَّتِي يُوَاطِئُءِ اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّعَدْلًا كَمَا مِلْتَحْتُ جَوْرًا وَّظُلْمًا.<sup>۵</sup>

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را دراز خواهد کرد تا مردی از امت من قیام کند که نامش چون نام من و لقبش همچون لقب من خواهد بود، زمین را پر از قسط و داد خواهد کرد همانطور که پر از جور و ستم گشته است.

## شناسه نگاری مهدی (عج)

پس از قطعی شدن موضوع مهدویت، رسول گرامی اسلام و به تبع او اهل بیت پیامبر به تبیین و شناسایی خصوصیات و ویژگی‌های مهدی آل محمد(ص) همت گماشته‌اند تا امت اسلامی از زبان رهبران واقعی و صادق خود مهدی را شناسایی کرده و فریب شیادان مدعی مهدویت را نخورند. عناوین این فصل عبارتند از:

### ۱. مهدی(ع)، از فرزندان فاطمه است

ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة.»<sup>۶</sup>

مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است.

سپس پدران حضرت مهدی یکایک از امیر مؤمنان تا امام حسن عسکری(ع) به طور

مشخص بیان شده است. انس می‌گوید پیامبر (ص) فرمود: «ما فرزندان عبدالمطلب، سروران بهشتیان هستیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی.»<sup>۷</sup>

زید بن ثابت می‌گوید: پیامبر فرمود: «دنیا به آخر نمی‌رسد تا مردی از فرزندان حسین (ع) رهبری امت مرا به دست گیرد و زمین را - چنانکه پر از ستم شده - پر از داد نماید.»<sup>۸</sup>

۱۴۸ روایت با مضمون بالا در کتابهای شیعه و سنی آمده است و نیز ۱۸۵ حدیث تأکید کرده که مهدی (ع) از فرزندان امام زین العابدین (ع) است و ۱۰۳ روایت دلالت دارد که حضرت مهدی (ع) هفتمین فرزند امام باقر (ع) است و بیش از ۲۰۰ حدیث نیز تأکید دارد که امام زمان (عج) ششمین فرزند امام صادق است. همانطور که بیش از یکصد روایت، او را از فرزندان امام کاظم (ع) معرفی نموده است و ۹۸ حدیث گویایی آن است که حضرت مهدی پنجمین فرزند امام هفتم است، ۹۵ روایت نیز تصریح دارد که چهارمین فرزند امام رضا (ع) است و ۹۰ حدیث نیز گویای آن است که سومین فرزند امام جواد است و ۹۰ حدیث می‌گوید از نسل امام دهم و ۱۴۶ حدیث بر اینکه دومین فرزند آن حضرت است و ۱۴۷ روایت نیز به صراحت اعلام می‌دارد که فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) است.<sup>۹</sup>

## ۲. آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

حضرت حجة بن الحسن العسکری (ع) وارث همه صفات و خصال و فضایل و علوم و معجزات انبیا و اولیای الهی است. سعید بن جبیر می‌گوید: از امام زین العابدین (ع) شنیدم که فرمود: «حضرت قائم (ع) هفت سنت از هفت پیامبر دارد؛ از حضرت آدم و نوح طول عمر، از حضرت ابراهیم، مخفی بودن ولادت و زندگی مخفیانه، از حضرت موسی، بیم و غیبت، از حضرت عیسی، عقاید گوناگون مردم پیرامون او، از ایوب، گشایش پس از گرفتاری و از حضرت محمد (ص) قیام با اسلحه را به ارث برده است.»<sup>۱۰</sup>

## ۳. تشدید انتظار فرج

پیامبر و امامان معصوم بدون استثنا گاه و بیگاه بحث مهدویت را مطرح و پیرامون آن داد سخن می‌دادند و به طور پیوسته چراغ امید و انتظار را در دل‌های مردم روشن نگه می‌داشتند.

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود:

أَلْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي أُمَّهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسَ فِي خَلْقٍ وَ خُلُقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ خَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ ثُمَّ يَقْبَلُ كَالشِّهَابِ الشَّاقِبِ يَمْلَأُ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.<sup>۱۱</sup>

مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و لقبش لقب من و از نظر اخلاق و شکل و شمایل شبیه‌ترین مردم به من است. غیبت و سرگردانی ای دارد که بسیاری از مردم در آن گمراه می‌شوند. آنگاه چون شهاب آسمانی سر می‌رسد و زمین را - پس از آنکه پر از ستم و بیداد شده - سرشار از عدل و داد می‌کند.

امیر مؤمنان (ع) پس از بازگشت از جنگ نهروان، برخی از حوادث آینده را پیش بینی کرد آنگاه فرمود:

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُوَ كَائِنٌ وَقَتاً مَرِيحاً فَيَأْتِي أَبْنَ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ مَتَى تَنْتَظِرُونَ؟ أَنْبِئِرِ بِنَصْرِ قَرِيبٍ مِنْ رَبِّ رَجِيمٍ قَبَائِي وَ أُمِّي عِدَّةٌ قَلِيلَةٌ أَنهَاتُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ.

آنچه گفتم فرمان خداست و در وقتی خوشی رخ می‌دهد. ای فرزند بهترین کنیزان تاکی باید انتظار بکشی؟ به تو مژده پیروزی نزدیک از جانب پروردگار مهربان می‌دهم! پدر و مادرم فدای گروه اندکی که نامهایشان در زمین ناشناس است<sup>۱۲</sup>

امام رضا از پدرانش از امام حسین از برادرش امام حسن از امیر مؤمنان علیهم السلام نقل می‌کند که رسول اعظم (ص) فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ الْحَقِّ مِنَّا وَ ذَٰلِكَ جِئِن يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، مَنْ تَبِعَهُ نَجَى مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ، اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَأَتْوَهُ وَ لَوْ حَبِوْا عَلَى التَّلَجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي.<sup>۱۳</sup>

رستاخیز برپا نمی‌شود تا قائم حق ما قیام کند در هنگامی که خدای بزرگ اجازه بدهد. هر کس از او پیروی کند نجات یابد و آن که روی بگرداند نابود شود. ای بندگان خدا، شما را به خدا گردش حلقه زنید گر چه با سینه خیز رفتن روی برف باشد به سویش بشتابید که او جانشین خدا و جانشین من است.

امام سجاد (ع) نیز پس از شهادت سیدالشهداء (ع) و فضای بس ناامید کننده سال ۶۱ هجری و حتی در زمان اسارت و ورود به دمشق، موضوع مهدی و ظهور و پیروزی او را مطرح می‌کند و در خطبه معروف خود می‌فرماید:

وَ مِنَّا رَسُولُ اللَّهِ وَ وَصِيَّهُ وَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعْفَرُ الطَّيْبَارِ فِي الْجَنَّةِ وَ سِبْطُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَقْتُلُ الدَّجَالَ.<sup>۱۴</sup>

پیامبر خدا و وصی او و [حمزه] سیدالشهداء و جعفر - که در بهشت پرواز می‌کند - و دو سبط این امت و مهدی، کشنده دجال، از ما هستند.

ذکر و یاد مهدی (ع) در سیره پیامبر و امامان علیهم السلام به شکل یک سنت مداوم جلوه گر شده و همه آنان بدون استثنا گویا خود را موظف می دانستند که زیر ساخت های مهدویت را در اذهان مسلمانان پی ریزی و محکم سازند و جامعه اسلامی هیچ زمانی بدون مهدویت به حرکت خویش ادامه ندهد، چرا که همان گونه که اسلام، به مثابه هدف نهایی همه انبیا و ادیان و کتب آسمانی و نقطه اوج پیروزی جوامع دینی جلوه گر شد، مهدویت نیز به مثابه هدف غایی اسلام و چشم انداز نهایی پیروزی جامعه متدین و خط توحید بر همه مکاتب غیر الهی و الحادی و بشری منهای دین است. از این رو باید بسان تابلویی نورانی فرا راه اسلامیان، فرزنان و راهنما باشد و به همگان نوید امید و نیل به سر منزل مقصود دهد و همواره شوق انتظار مؤمنان را نسبت به عدالت نهایی افزون کند.

فرهنگ سازی ظهور به اندازه ای برای پیشوایان معصوم در خور اهمیت بود که گاه ساعتها آنان را به خود مشغول می ساخت و گاه شوق انتظار ایشان را نیز به گریستن وا می داشت؛ اصبع بن نباته می گوید: روزی خدمت امیر مؤمنان (ع) شرفیات شدم. دیدم، خطوطی بر زمین نقش می کند و در حال اندیشه است. پرسیدم: ای امیر مؤمنان، آیا به زمین علاقه پیدا کرده ای؟ فرمود: نه به خدا سوگند! نه به زمین و نه به دنیا حتی برای یک روز هم علاقمند نشده ام اما به یازدهمین نوه ام می اندیشم که از نسل من خواهد بود و او «مهدی» است و زمین را پس از آنکه از ستم و ناروا انباشته شده پر از داد خواهد کرد.<sup>۱۵</sup>

سدر صیرفی می گوید: روزی من و مفضل و ابوبصیر بر امام صادق (ع) وارد شدیم، مشاهده کردیم روی خاک نشسته و چون ابر بهاری در فراق حضرت مهدی (ع) گریه می کند و بی تاب است به گونه ای که همه ما شگفت زده و مبهور شدیم.<sup>۱۶</sup>

دعبل بن علی خزاعی قصیده معروف «مدارس آیات» را در خراسان برای امام رضا (ع) انشاد کرد تا رسید به:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مُحَالَةَ لِأَزْمِ  
يَعُومُ عَلَى إِسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ  
يُسَيِّرُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ  
وَ يَجْرِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقِيَّاتِ

حضرت ثامن الحجج با شنیدن این ابیات به شدت گریست و فرمود:

«ای دعبل روح القدس به زبانت سخن گفته است.» آنگاه سخنانی درباره امام زمان (عج)

ایراد فرمود.<sup>۱۷</sup>



موضوع جالب‌تر آن که حضرت بقیة الله ارواحنا له الفدا خود نیز برای ظهور لحظه شماری می‌کند.

عبدالله بن جعفر حمیدی می‌گوید: از محمد بن عثمان - دومین سفیر خاص امام زمان - پرسیدم: آیا تاکنون حضرت صاحب الامر را مشاهده کرده‌ای؟ پاسخ داد: آری و آخرین باری که به زیارتش نایل شدم، در مسجد الحرام بود که از خدا چنین درخواستی داشت: «اللَّهُمَّ اجْزِلْ مَا وَعَدْتَنِي»<sup>۱۸</sup> خدایا آنچه را به من وعده داده‌ای هر چه سریعتر عطایم فرما!

### قرآن و مهدویت

این موضوع، کتاب‌های مستقلی را به خود اختصاص داده<sup>۱۹</sup> و بیانگر آن است که قرآن نیز با به پای اهل بیت علیهم السلام به موضوع مهدویت پرداخته و آیات گوناگونی به شکل صریح یا کنایی، آن را مطرح کرده‌اند. این آیات به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - گروهی که لزوم حجت الهی را برای همیشه اثبات می‌کند، مانند این حدیث:

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ من حتماً قرار دهنده جانشین [برای خود] در زمین هستم. که صفت فاعلی جاعل، دلالت بر استمرار دارد و زمین هرگز از خلیفه الهی تهی نخواهد ماند چنانکه مفسران واقعی قرآن فرموده‌اند:

لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.<sup>۲۰</sup>

اگر زمین یک لحظه از حجت الهی تهی شود، اهلس را فرو می‌برد.

و آیه «انما انت منذر و لكل قوم هاد» (رعد: ۷)

که منظور از هادی همان امام معصوم است.

ب - گروهی از آیات نیز مضمونی دارند که جز با مسأله مهدویت و تشکیل حکومت جهانی اسلام در زمان ظهور با هیچ زمان دیگری مطابقت ندارد. از جمله این آیات شریفه:

۱. هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون.

(صف: ۹)

اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و دین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است

فائق گرداند گر چه مشرکان را خوش نیاید.

همگان به خوبی می‌دانند که دین حق - اسلام - هنوز بر همه ادیان فائق نیامده و جهانی

نشده است، بنابراین زمانی خواهد آمد که این وعده الهی تحقق یابد و آن زمان، زمان ظهور حضرت قائم آل محمد است.<sup>۲۱</sup>

۲. و نريد ان فن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين. (قصص: ۵)  
و می خواهیم بر کسانی که در زمین فرودست شده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

امام صادق (ع) فرمود:

رسول خدا (ص) به علی، حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و فرمود: «شما مستضعفان پس از من هستید.»

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم مفهوم سخن پیامبر چیست؟ فرمود: «مفهومش این است که شما پس از من، امامان مردم هستید. سپس آیه بالا را تلاوت کرد و فرمود: «این آیه تا قیامت درباره ما جریان دارد»<sup>۲۲</sup>

۳. و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله. (انفال: ۳۹)

و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد.

این آیه نیز چشم انداز حکومت جهانی اسلام را ترسیم می کند و باید روزی تحقق یابد و همه مردم تابع دین حق الهی - اسلام - نشوند. زراره از امام صادق (ع) چنین نقل می کند: تاویل این آیه هنوز رخ نداده است؛ آن گاه که قائم ما قیام کند، همگان خواهند فهمید که تاویل این آیه چیست؛ کار رواج دین محمد (ص) به جایی خواهد رسید که دیگر هیچ مشرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.<sup>۲۳</sup>

- داستان حضرت عیسی (ع) و خضر در قرآن مجید، مؤیدی بر زنده بودن و طول عمر حضرت مهدی (ع) است. امام صادق (ع)، تنها دلیل زنده ماندن حضرت خضر (ع) را استدلال بر وجود و درازی عمر حضرت بقیة الله دانسته می فرماید:

خداوند، عمر خضر - بنده صالح - را نه برای نبوت و نه برای کتاب و شریعتی طولانی کرده و نه برای امامت و اطاعت خاصی، بلکه چون در علم خدا این قضیه قطعی بود که عمر حضرت قائم (ع) طولانی باشد و غیبت دراز داشته باشد، و نیز می دانست که برخی از مردم چنین عمری را انکار خواهند کرد، عمر طولانی به خضر عطا کرد تا بتوان با آن بر عمر طولانی حضرت قائم استدلال کرد و منکران را مجاب نمود و حجت خدا بر آنان کامل شود.<sup>۲۴</sup>

همان طور که در روایت شریف یاد شد، هر مسلمانی که اعتقاد به قرآن و سوره کهف و داستان حضرت خضر(ع) داشته باشد و به یقین بداند که آن بنده صالح خدا - طبق اجماع و اتفاق همه مسلمانان - زنده است، دیگر نمی تواند حیات و وجود نازنین حضرت مهدی(ع) را به دلیل عدم امکان عمر طولانی انکار کند. بر این اساس در حیطة درون مرزی اسلام هیچ کس منکر وجود و حیات مبارک حضرت بقیة الله نیست و اگر هم فرد یا گروهی در چنین مسأله مورد اتفاق تردید کند، قطعاً بر خلاف اجماع مسلمانان به بیهوده گویی و انحراف گرفتار شده و حتی از نظر قرآن و اعتقاد صحیح مسلمانان منکر یکی از ضروریات اسلام گشته که باید از یاوه پویی، توبه کند.

اما در حیطة برون مرزی، برای معتقدان به تورات و انجیل و دیگر کتابهای آسمانی، زنده بودن حضرت مسیح(ع) و ظاهر شدن او در آخر الزمان نیز حجت قاطع بر حیات و طول عمر حضرت بقیة الله است؛ چرا که جهان دینی خارج از اسلام امروزه وارد هزاره سوم میلاد حضرت مسیح شده و همه آنها اعتقاد دارند که آن حضرت اینک زنده است و روزی ظهور خواهد کرد. به آنان نیز گفته می شود. اگر امکان دارد که یکی از بندگان خدا - حضرت عیسی - عمر دو هزار ساله داشته باشد، چرا همین موضوع - یعنی عمر هزار و چند ساله درباره یکی دیگر از بندگان خاص خدا - حضرت مهدی(ع) - امکان نداشته باشد؟ پس همان طور که عمر طولانی حضرت خضر برای مسلمانان، حجت قاطع بر وجود حضرت مهدی است، عمر طولانی حضرت مسیح در میان غیر مسلمانان همین نقش را دارد.

#### ۴. آمادگی برای غیبت

آماده ساختن جامعه اسلامی برای دوره طولانی غیبت حضرت مهدی(ع) نیز در موضوع مهدویت، جایگاه خاص خود را داشت و اهل بیت علیهم السلام گاه و بیگاه به تناسب شرایط آن روز جامعه، بحث غیبت را مطرح می کردند تا مردم ضمن اطلاع از چگونگی آن، کم کم آمادگی عدم حضور رهبری الهی را پیدا کنند.

هر وی از امام رضا از پدرانش از رسول اعظم(ص) نقل می کند که فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُعَيِّنَ الثَّابِتِينَ مِنْ وَلَدِي بِعَهْدِ مَعْهُدِ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشْكُ أَحْرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَسْتَسْكِبْ بِدِينِهِ. ۲۵

به کسی که مرا بحق نوید دهنده مبعوث فرمود سوگند! قیام کننده از فرزندان من حتماً بر اساس بیمانی که از من به وی می‌رسد، [مدتی طولانی] از دیده‌ها غایب خواهد شد. تا اینکه بیشتر مردم [از ظهورش ناامید گشته] گویند خداوند دیگر نیازی به آل محمد ندارد! و عده‌ای در تولدش تردید می‌کنند. هر کس آن زمان را دریابد باید بر دینش محکم بچسبند. ثابت ثمالی از امام سجاد از امام حسین از امیر مؤمنان علیهم السلام نقل می‌کند که در تفسیر آیه «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»<sup>۲۶</sup> فرمود:

این آیه درباره‌ی ما نازل شده و خداوند امامت را تا قیامت در نسل حسین (ع) قرار داده و قائم ما دو دوره غیبت دارد که یکی از آنها طولانی‌تر است و جز کسی که ایمان قوی و معرفت صحیح دارد در آن ثابت قدم نمی‌ماند.<sup>۲۷</sup>

ملاحظه می‌فرمایید که موضوع غیبت - حتی نوع آن - از زبان پیامبر و علی علیهما السلام و در صدر اسلام همراه اصل مهدویت مطرح می‌شود تا فرهنگ ناجی آخر الزمان و نظریه «پایان جهان» در سالهای آغازین دین نهایی در جهان و به ویژه در جامعه دینی و حقیقت طلب نهادینه گردد و همگان با پدیده آسمانی «ظهور منجی نهایی» به طور کامل و همه جانبه آشنا شوند. همین طور رهبران معصوم یکی پس از دیگری، این فرهنگ سازی را ادامه داده‌اند و همه آنها بدون استثنا از «غیبت معصوم آخر» سخن به میان آورده‌اند و جامعه را برای پذیرش آن آماده کرده‌اند و هر چه به زمان غیبت نزدیک‌تر شده‌اند، آماده سازی نیز شتاب بیشتری گرفته و کاملتر شده است و کاهش حضور امام هادی و امام عسکری در میان مردم نیز در این راستا قابل دقت است.

گفتنی است که غیبت، یک رخداد ناخواسته و تنها برای در امان ماندن از اذیت و قتل نیست، گرچه از ملزومات آن هست، بلکه رمزی از رموز الهی و یکی از اسرار نهان و سنتی از سنن خداست. این موضوع در گفتگوی عبدالله بن فضل هاشمی با امام صادق (ع) این‌گونه بیان شده است:

- امام صادق (ع): صاحب الامر حتماً باید غیبت داشته باشد که هر یاوه‌گرایی در آن به تردید بیفتد.

- عبدالله بن فضل: فدایت شوم! علت آن چیست؟

- برای امری که ما اجازه آشکار کردنش را نداریم.

- اگر امکان دارد حکمت غیبت را بیان فرمایید؟

- حکمت غیبت ایشان همانند حکمت غیبت حجت‌های الهی پیشین است، چهره واقعی حکمت غیبت جز پس از ظهور آشکار نخواهد شد همچنانکه چهره حکمت آنچه خضر انجام داد آشکار نشد جز پس از اتمام آنها و رسیدن وقت جدایی موسی و خضر. ای پسر فضل، بحث غیبت، امری الهی و رازی از رازهای او و موضوعی غیبی است و ما چون می‌دانیم که خدای بزرگ، حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه کردار و گفتار او نیز حکیمانه است گرچه علتش برای ما معلوم نباشد.<sup>۲۸</sup>

بنابراین، امامان علیهم السلام با مسأله غیبت به مثابه یک سنت و راز مرموز الهی برخورد می‌کردند و همین اهمیت، سبب می‌شد که بدان اهتمام ویژه بورزند و مردم را نیز در حد امکان به گونه‌ای آشنا سازند که هیچ تردیدی نسبت به مسأله غیبت باقی نماند. بیان چستی غیبت، مدت آن، انواع آن، چگونگی زندگی حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت، وضعیت رهبری مردم، نحوه تماس با امام غایب، شرایط ظهور، وضعیت جهان در زمان غیبت و ظهور، چگونگی ظهور، وضعیت دوست و دشمن در آن زمان و صدها عنوان دیگر، موضوعاتی است که از سوی امامان اهل بیت به شکل اساسی بدان پرداخته شده و فرهنگ مهدویت را رقم زده است، بسیاری از عناوین یاد شده در طول بیش از هزار ساله غیبت، بارها به شکل مستقل مورد کنکاش و پژوهشگران قرار گرفته و رساله یا کتابی را به خود اختصاص داده است و اینک صدها کتاب و هزاران مقاله پیرامون مهدویت به رشته تحریر درآمده و زینت بخش محافل علمی و کتابخانه‌ها شده است.

بنابراین باید گفت تدبیر و دوراندیشی پیامبر و امامان معصوم پیرامون آینده جهان اسلام به طور صد درصد موفقیت‌آمیز بوده و نه تنها جامعه اسلامی در نیمه اول قرن چهارم - که غیبت صغری آغاز شده - بلکه در طول دوازده قرن دیگر نیز به راحتی مسأله غیبت را درک و هضم کرده و هیچ‌گاه گرفتار بحران رهبری نشده است. جمیل بن درّاج از امام صادق از پدران‌ش از علی علیهم السلام نقل می‌کند که فرمود:

الإِسْلَامُ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ أَخَوَانٌ لَا يَضِلُّ أَحَدُهُمَا إِلَّا بِضَاحِيَةِ الْإِسْلَامِ أَسَّ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ خَارِسٌ، مَا لَأَسَّ لَهُ قَتْلُهُمْ وَمَا لَأَخَارِسَ لَهُ فَضَائِعٌ فَلِذَلِكَ إِذَا رَجَلًا قَائِمًا لَمْ يَبْقَ أَتْرَمٍ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِذَا لَمْ يَبْقَ أَتْرَمٍ مِنَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَبْقَ أَتْرَمٍ مِنَ الدُّنْيَا.<sup>۲۹</sup>

اسلام و پادشاه دادگر دو برادرند که یکی بدون دیگری دوام نمی‌یابد؛ اسلام، اساس و پادشاه عادل نگهبان است؛ آن چه اساس نداشته باشد منهدم می‌گردد و آن چه نگهبان نداشته باشد تباہ می‌شود به همین دلیل اگر قائم ما کوچک کند اثری از اسلام نمی‌ماند و اگر اثری از اسلام نماند دنیا نیز نابود می‌شود.

## فرج انتظار

مؤمنان راستین گرچه از هجران آن دلبر سفر کرده، چشمی گریان و دلی نالان و سینه‌ای سوزان دارند، اما هرگز فراغ و هجران را بهانه بی‌خیالی و خالی کردن شانه از زیر بار مسئولیت نکرده‌اند بلکه بارهنمودهای اهل بیت علیهم السلام در انتظار فرج نهایی، چون مرغ بسمل بال بال می‌زنند و می‌سرایند:

نعم تو نه از آن است که سیر گردد و جان مرا	به خنوان تو باید هزار حلق و دهان
بیا که آب حیاتی و بنده مستسقی نه بنده	راست ملامت نه لطف راست کمران
بسیا که بحر مطلق تویی و من ماهی	میان بحر و این بحر را که دیده میان؟
ز بحر توست یکی قطره آب خاک آلود	که جان شدست به پیش جماعتی بی جان بیا
بسیا که تویی آفتاب و من ذره	به پیش شعله رویت چو ذره چرخ زنان <sup>۳۰</sup>

اما همین انتظار فرج در بستری سازنده و پویا خود به «فرج انتظار» بدل گشته و همان طور که فرمودند: «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ»<sup>۳۱</sup> پیام به خوبی دریافت شد و پیروان اهل بیت، وظیفه زمان حضور را به دوران غیبت سرایت دادند و بخش مهمی از آنچه را که قرار است پس از ظهور تحقق یابد در زندگی خویش پیاده نمودند که این خود از پویایی و حیاتبخشی فرهنگ مهدویت سرچشمه گرفته و جاذبه و حقانیت امام غایب، پیش از ظهور نیز دلباختگان خود را به صحنه سازندگی و تکاپو کشانده است و اینک جلوه‌هایی از آن حضور پرشکوه.

۱. مدرسه اهل بیت علیهم السلام همواره با تلاش و مجاهدت علمای سترگ شیعه فعال و پررونق بوده و آتش خشم و غضب دشمنان و سیاهچال‌های مخوف سلاطین و خلفای ستمگر هرگز نتوانسته آن را به رکود یا انهدام بکشاند و شیعیان راستین در همه عرصه‌های علمی - نه پا به پای دیگران - بلکه همواره فعالتر و پیشتازتر حرکت کرده‌اند و آوازه علم و

عرفان و اخلاق و فلسفه و تفسیر و دیگر علوم اسلامی شان سر تا سر جهان را در نور دیده و امروزه کمتر منطقه‌ای در دنیا یافت می‌شود که از مرام و مکتب اهل بیت بی‌خبر باشد.

۲. شیعه با مرام مهدویت، زرین‌ترین صفحات تاریخ سیاسی بشر را رقم زده و با چشم دوختن به حکومت جهانی آل محمد (ص) با هیچ حکومتی سرسازش نداشته و هرگز ننگ پذیرش طاغوت را بر پیشانی بلند خویش ننهاده است و برای حفظ این آب‌رومندی بهای سنگینی نیز پرداخته است و قتل و تبعید و شکنجه و قهر و غضب ستمگران را هم به جان خریده است.

۳. پرچم عدالت خواهی - آن هم به سبک و روش اهل بیت علیهم السلام - همواره بر دوش منتظران فرج در اهتزاز آمده و چشم انتظاران عادل آل محمد (ص) همواره صلائی داد در داده‌اند و بر طبل رسوایی بیداد کوبیده‌اند، با ستمگران به نبرد ایستاده‌اند و ستم دیدگان را به غمخواری نشسته‌اند و باروغن جان خویش، چراغ عدالت را به سو سو زدن نگه داشته‌اند.

۴. شیعه بر اساس «قومی که در انتظار مصلح به سر می‌برد باید خود صالح باشد» همواره با فساد و تباهی و بی‌اخلاقی و اباحی‌گری مبارزه کرده، در دنیای پر رونق زشتی‌ها، خوبی‌ها را پاس داشته، در بازار مکاره‌ی ضد ارزشها، خریدار ارزشها بوده و در وانفسای فحشا و منکرات، همیشه پاسدار پاکی و نزاکت شده و فرشته‌گونه در برابر دیوهای آلودگی، آراستگی را صیانت نموده است تا اینکه این زحمات طاقت فرسا در انقلاب اسلامی ایران به بار می‌نشیند و منتظران واقعی فرج مصلح نهایی، حکومتی را تشکیل می‌دهند که زمینه ساز حکومت نهایی اسلام باشد؛ به تعبیر امام راحل (ره):

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان - که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی (ص) است - به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان ارواحنا فداه هموار می‌کنیم.<sup>۳۲</sup>

مسلمانان با چنین اندیشه‌ای به طور قطع به ساحل فرج نایل گشته‌اند، خواه امامشان در میانشان باشد خواه غایب از نظر باشد؛ چنانکه بدون آن هیچ‌گاه به ساحل نجات راه نخواهند یافت. محمد حنفیه از امیر مؤمنان (ع) نقل می‌کند که فرمود:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِطَاعَةِ إِمَامٍ لَيْسَ مِنِّي وَإِنْ كَانَتْ الرُّعِيَّةُ فِي نَفْسِهَا بَرَّةً وَلَا رَحْمَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِطَاعَةِ إِمَامٍ مِنِّي وَإِنْ كَانَتْ الرُّعِيَّةُ فِي نَفْسِهَا غَيْرُ بَرَّةٍ وَلَا نَجِيَّةٍ... ۳۳

شنیدم که پیامبر خدا فرمود: خداوند بزرگ فرموده است: من حتماً رعیتی را که معتقد به امامی باشد که از سوی من نیست عذاب خواهم کرد، گرچه افراد آن ملت، خود نیکوکار باشند و به طور قطع به امتی که معتقد به امام عادل (منصوب) از جانب من باشد ترحم خواهم کرد، گرچه افراد آن امت نیکوکار و باتقوا نباشند.

۵. همچنین در غربت اندیشه صواب و آسمانی و بلبشوی انحراف و خرافه، هسته پر قدرت منتظران چون دیدبانی هشیار و زیرک، به مرزبانی از حدود و ثغور عقاید صحیح و آسمانی همت گماشته و رسالت الهی خویش را پاس داشته و از هیچ قدرتی واهمه به خود راه نداده است؛

الَّذِينَ يَتْلُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكُنِيَ بِاللَّهِ حَسِبًا. (احزاب: ۳۹)

کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند.

نهضت نرم‌افزاری منتظران حضرت حجة بن الحسن عج الله تعالی فرجه خواهی نخواهی، انسان‌های تشنه حقیقت را تا حدود زیادی سیراب خواهد ساخت و آنها را به سرچشمه علم لدنی و خالص و حیاتبخش معصوم نهایی رهنمون خواهد کرد تا این نوید قرآنی تحقق یابد که:

و له اسلم من في السموات و الارض طوعاً و كرهاً. (آل عمران: ۸۳)

رفاعه نقل کرده که شنیدم امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود:

إِذَا قَامَ أَلْقَائِمُ الْمَهْدِيِّ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ۳۴

آنگاه که حضرت قائم مهدی قیام نماید، زمینی باقی نمی‌ماند جز اینکه ندای لا اله الا الله و محمد رسول الله و از آن به گوش می‌رسد.

۶. پاسداشت مکارم اخلاقی نیز رسالت مقدسی است که همواره زینت بخش دوشهای سترگ منتظران بوده و هست و ایشان با خمیر مایه ایمان و عمل صالح و باهدف آرمانی



پیوند خاک با خدا و در مصاف با اهریمنان، گاه با خوردن خون دل و گاه با نثار خون جبین، مانع انهدام بنیادهای اخلاقی گشته‌اند و در درازای تاریخ، مکارم اخلاقی را پاس داشته‌اند و گلستان ارزش و انسانیت را به باغبانی ایستاده‌اند و هرگز اجازه نداده‌اند که گلهای اخلاق بشری در برابر گردبادهای فحشا و فتنه فاسدان پژمرده گردند و این حماسه روحی نیز بخشی از فرهنگ انتظار و فرج دولت کریمه آل محمد است. چنانکه حضرت امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يُحْيِيهَا اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَبْنِيَا لَكُمْ آيَتَهَا الْعِصَابَةَ الْمَرْحُومَةَ»<sup>۳۵</sup>

ما را دولتی است که خدا هرگاه بخواهد آن را خواهد آورد.

سپس فرمود: هر کس دوست دارد که از یاران قائم باشد باید منتظر باشد و ورع و محاسن اخلاقی را سرلوحه خویش قرار دهد، چنین کسی منتظر (واقعی) خواهد بود و اگر از دنیا برود و قائم پس از آن قیام کند، پاداشش مثل پاداش کسی است که ایشان را خدمت کرده است. بنابراین جدیت کنید و منتظر باشید ای گروه رحمت شده!

حسن ختام مقال را با عنایت حضرت بقیه‌الله به امام راحل و انقلاب اسلامی - که انقلاب عقیده و عمل و اخلاق و نیکوست - تقدیمتان می‌کنیم:

مرحوم حاج آقای علما (از وعاظ قم) فرمود: من در رژیم پهلوی از شیوع فساد و بی‌بند و باری خیلی نگران بودم شبی در عالم خواب به من گفته شد حضرت حجت (ع) به حرم حضرت معصومه سلام الله علیها آمده‌اند. من به حرم رفتم و خود را به آن حضرت رساندم و به ایشان از اوضاع شکوه کردم. آن حضرت روی مبارک به طرفی کرد و فرمود: ما به ایشان دستور دادیم قیام کند. من نگاه کردم دیدم آن شخص امام خمینی است!<sup>۳۶</sup>

#### پی‌نوشتها:

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۱.
۲. همان، ص ۴۸۲.
۳. التفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۱۸، ص ۱۴.
۴. منتخب الاثر، ص ۱۰.
۵. همان، ص ۱۵۰.

۶. همان، ص ۱۴۳. این روایت با اسناد گوناگون از طرف شیعه و سنی نقل شده (همان سند).  
 ۷. همان، ص ۱۴۵.  
 ۸. همان، ص ۲۰۴.  
 ۹. همان، ص ۲۰۸ تا ۲۳۷.  
 ۱۰. همان، ص ۳۰۰.  
 ۱۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹.  
 ۱۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۲.  
 ۱۳. معجم احادیث الامام المهدي، کورانی، ج ۳، ص ۱۰۱.  
 ۱۴. منتخب الاثر، ص ۱۷۳.  
 ۱۵. کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ص ۲۸۹.  
 ۱۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹.  
 ۱۷. الغدير، علامه امینی، ج ۲، ص ۳۵۵.  
 ۱۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱.  
 ۱۹. مانند: المحجة فی منازل فی القائم الحجة السيد هاشم بحرانی و الامام المهدي فی القرآن و السنة، سعيد ابو معاس  
 ۲۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳.  
 ۲۱. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۶۸-۳۸۹.  
 ۲۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۴.  
 ۲۳. مجمع البیان، طبرسی، ج ۴-۳، ص ۸۳۴.  
 ۲۴. منتخب الاثر، ص ۲۶۱.  
 ۲۵. منتخب الاثر، ص ۲۶۲.  
 ۲۶. (و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرده باشد که آنان (به توحید) باز گردند. (زخرف: ۲۸).  
 ۲۷. بنایع المودة، قنروزی، ص ۴۲۷.  
 ۲۸. منتخب الاثر، ص ۲۶۶.  
 ۲۹. همان.  
 ۳۰. کلیات شمس تبریزی، ص ۷۸۰.  
 ۳۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.  
 ۳۲. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۲.  
 ۳۳. منتخب الاثر، ص ۴۲۱ به نقل از کفایة الاثر.  
 ۳۴. منتخب الاثر، ص ۲۹۳.  
 ۳۵. الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰.  
 ۳۶. روزنه هایی از عالم غیب، آیت ا... خرازی، ص ۴۶، انتشارات مسجد جمکران، قم.

